

آیا شب قدر با اختیار سازگاری دارد؟

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

می گویند در شب قدر مقدرات بندگان اعم از خیر و شر و ولادت و مرگ و خلاصه هر چه تا شب قدر سال آینده با آن مواجه می شوند، تقدیر و معین می گردد . اگر چنین باشد، هر کس سرنوشتش تا سال آینده مشخص است . بنابراین، در دایره همین سرنوشت معین حرکت می کند و اختیاری از خود ندارد؛ زیرا با توجه به سرنوشتی که در شب قدر برایش رقم خورده، حرکت کرده است . بنابراین، زندگی جبر مطلق است؛ مخصوصا با عنایت به این که شب قدر هر سال تکرار می شود، انسان از ولادت تا مرگ در سرنوشتی از پیش تعیین شده حرکت می کند؛ اختیاری از خود ندارد و مانند عروسک خیمه شب بازی، اختیارش دست کسی است که او را به بازی گرفته است . آیا چنین نیست؟

برای پاسخ به پرسش دقیق شما اشاره به چند مساله ضرورت دارد:

1 . منظور از شب قدر چیست؟

شب قدر یکی از شب های دهه آخر ماه رمضان است . طبق روایات ما، یکی از شب های نوزدهم یا بیست و یکم و به احتمال زیاد بیست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر است . (1) در این شب که شب نزول قرآن به شمار می آید، امور خیر و شر مردم و ولادت و مرگ و روزی و حج و طاعت و گناه و خلاصه هر حادثه ای که در طول سال واقع می شود، تقدیر می گردد. (2) شب قدر همیشه و هر سال تکرار می شود. عبادت در آن شب فضیلت

فراوان دارد و در نیکویی سرنوشت یک ساله بسیار مؤثر است. (3) در این شب تمام حوادث سال آینده به امام هر زمان ارائه می شود و وی از سرنوشت خود و دیگران با خبر می گردد. امام باقر - سلام الله علیه - می فرماید: «انه ينزل في ليلة القدر الى ولي الامر تفسير الامور سنة سنة، يؤمر في امر نفسه بكذا وكذا و في امر الناس بكذا وكذا؛ در شب قدر به ولی امر (امام هر زمان) تفسیر کارها و حوادث نازل می شود و وی درباره خویش و دیگر مردمان مامور به دستورهایی می شود.» (4)

پس شب قدر شبی است که قرآن در آن نازل شده است، حوادث سال آینده در آن تقدیر می شود، این حوادث بر امام زمان - روحی فداه - عرضه و آن حضرت مامور به کارهایی می گردد. بنابراین، می توان گفت شب قدر، شب تقدیر و شب اندازه گیری و شب تعیین حوادث جهان ماده است.

2. معنای قدر و تقدیر چیست؟

قدر در لغت به معنای اندازه و اندازه گیری است. (5) تقدیر نیز به معنای اندازه گیری و تعیین است. (6) اما معنای اصطلاحی قدر عبارت است از ویژگی هستی و وجود هر چیز و چگونگی آفرینش آن؛ (7) به عبارت دیگر، اندازه و محدوده وجودی هر چیز قدر نام دارد. (8) یعنی در نظام آفرینش هر چیزی اندازه ای خاص دارد و هیچ چیز بی حساب و کتاب نیست.

جهان حساب و کتاب دارد، بر اساس نظم ریاضی تنظیم شده و گذشته و حال و آینده آن با هم ارتباط دارد. استاد مطهری در تعریف قدر می فرماید: «... قدر به معنای اندازه و تعیین است... حوادث جهان ... از آن جهت که حدود و اندازه و موقعیت مکانی و زمانی آن ها تعیین شده است، مقدور به تقدیر الهی است.» (9) پس در یک کلام قدر به معنای ویژگی های طبیعی و جسمانی چیزها است که شامل اندازه و حدود و طول و عرض و موقعیت های مکانی و زمانی آن ها می گردد و تمام موجودات مادی و طبیعی را در بر می گیرد. این معنا از روایات استفاده می شود؛ چنان که در روایتی از امام رضا - سلام الله علیه - پرسیده شد: معنای قدر چیست؟ فرمود: «تقدير الشیء طول و عرضه؛ اندازه گیری هر چیز اعم از طول و عرض آن» (10) در روایت دیگر، این امام بزرگوار در معنای قدر فرمود: «هندسة شیء من طول و العرض و البقاء؛ اندازه هر چیز اعم از طول و عرض و بقا.» (11)

بنابراین، معنای تقدیر الهی این است که در جهان مادی آفریده ها از حیث هستی و آثار و ویژگی هایشان محدوده ای خاص دارند. این محدوده با اموری خاص مرتبط است؛ اموری که علت ها و شرایط آن ها هستند و به دلیل اختلاف علل و شرایط، هستی و آثار و ویژگی های موجودات مادی نیز متفاوت است. هر موجود مادی به وسیله قالب هایی از داخل و خارج اندازه گیری و قالب گیری می شود.

این قالب حدود یعنی طول و عرض و شکل و رنگ و موقعیت مکانی و زمانی و سایر عوارض و ویژگی های مادی آن به شمار می آید. پس معنای تقدیر الهی در موجودات مادی یعنی هدایت آن ها به سوی مسیر هستی شان

که برای آن ها مقدر گردیده است و در آن قالب گیری شده اند . (12)

3 . تعبیر فلسفی قدر، اصل علیت است.

«اصل علیت همان پیوند ضروری و قطعی حوادث با یکدیگر و این که هر حادثه ای تحتّم و قطعیت ضروری و قطعی خود را و همچنین تقدّر و خصوصیات وجودی خود را از امری یا اموری مقدم بر خود گرفته است. (13) اصل علیت عمومی و نظام اسباب و مسببات بر جهان و جمیع وقایع و حوادث جهان حکمفرما است و هر حادثی، ضرورت و قطعیت وجود خود را و همچنین شکل و خصوصیت زمانی و مکانی و سایر خصوصیات وجودی خود را از علل متقدمه خود کسب کرده است و یک پیوند ناگسستی میان گذشته و حال و استقبال میان هر موجودی و علل متقدمه او هست.» (14) اما علل موجودات مادی ترکیبی از فاعل و ماده و شرایط و عدم موانع است که هر یک تاثیر خاص بر آن دارند و مجموع این تاثیرها قالب وجودی خاصی را شکل می دهند . اگر تمام این علل و شرایط و عدم موانع کنار هم گرد آیند، علت تامه ساخته می شود و معلول خود را ضرورت و وجود می دهد که از آن در متون دینی به قضای الاهی تعبیر می شود .

اما هر موجودی با توجه به علل و شرایط خود قالبی خاص دارد که عوارض و ویژگی های وجودی اش را می سازد و در متون دینی از آن به قدر الاهی تعبیر می شود . پس این که می گویند در شب قدر همه مقدرات تقدیر می گردد، معنایش آن است که قالب معین و اندازه خاص هر پدیده روشن و اندازه گیری می شود . این اندازه گیری حتمی نیست؛ زیرا در عالم طبیعت رخ می دهد که جهان تغییر است و شرایط و موانعی خاص دارد . در این عالم، وجود اشیا تنها در صورتی قطعیت می یابد که علت تامه شان موجود شود؛ یعنی تمام شرایط موجود و همه موانع مفقود گردد و فاعل نیز تاثیر بخشد . (15)

با توجه به مقدمه فوق، رابطه شب قدر و تعیین سرنوشت بندگان و کردار اختیاری آن ها روشن می شود . قدر یعنی پیوند و شکل گرفتن هر پدیده و هر حادثه با سلسله علل خود و در شب قدر این پیوند دقیقاً اندازه گیری می گردد . اولاً، برای امام هر زمان این پیوند معلوم و تفسیر می شود؛ و ثانیاً، رابطه این پدیده ها با علل خود روشن می گردد.

خداوند متعال چنان مقدر کرده است که بین اشیا رابطه ای خاص برقرار باشد؛ مثلاً بین عزت و دفاع از کیان و ذلت و پذیرش ستم . هر کس از کیان خود دفاع کند، عزیز می شود و هرکس تسلیم زور و ستم شود، ذلیل می گردد . این تقدیر الاهی است . یا بین طول عمر و رعایت بهداشت و ترک بعضی گناهان مثل قطع صله رحم و دادن صدقه رابطه برقرار کرده و فرموده است: هر کس طول عمر می خواهد باید در این قالب قرار گیرد . آن که این شرایط را مهیا کرد، طول عمر می یابد و آن که در این امور کوتاهی کرد، عمرش کوتاه می گردد .

پس در افعال و کردار اختیاری بین عمل و نتیجه که همان تقدیر الاهی است، رابطه مستقیم وجود دارد . انسان تا زنده است، جاده ای دو طرفه در برابرش قرار دارد: یا با حسن اختیار کمیل بن زیاد نخعی، که صاحب سر امیر مؤمنان - سلام الله علیه - می گردد و یا با سوء اختیار حارث بن زیاد نخعی، قاتل فرزندان مسلم، می شود . دو برادر از یک پدر و مادر، یکی سعید و دیگری شقی . پس معنای صحیح تقدیر الاهی این است: آن که با حسن

اختیار خود به جاده صواب رفت، کمیل می شود و آن که با سوء اختیار خود به بیراهه گناه و انحراف پا گذاشت، حارث می گردد .

بین تقدیر الهی و اختیار آدمی هیچ منافاتی وجود ندارد، زیرا در سلسله علل و شرایط به ثمر رسیدن کار و ایجاد حادثه، اراده آدمی یکی از علل و اسباب است و قدر جانشین اراده و اختیار آدمی نمی شود تا همچون عروسک خیمه شب بازی جلوه کند . در کردار اختیاری، بین کردار و تقدیر رابطه مستقیم از نوع رابطه شرایط و معدات با معلول وجود دارد و در افعال اختیاری ما، یکی از عوامل و اسباب و علل، فعل اختیاری انسان است . دیدیم که جهان بر اساس نظم ریاضی برپا شده است و هر پدیده ای علت و سبب خاص دارد . تاثیر آتش گرما و سوختن است و تاثیر آب سرما و خاموش کردن . ما به دلیل این که در بند زندگانی مادی محصوریم، از گذشته و حال و آینده بی خبریم و جریان حوادث و پدیده ها برایمان نامعلوم است و گرنه تقدیر الهی بی حساب و کتاب نیست و بر اساس نظمی خاص قرار دارد . آن که با حسن اختیار خود کردار نیک انجام دهد یا مخلصانه دعایی بخواند، نتیجه آن را در این جهان می بیند و آن که بر اثر سوء اختیار گناهی مرتکب شود، نتیجه تلخ آن را می چشد.

پس این که فرموده اند در شب قدر مقدرات بندگان اعم از مرگ و زندگی و ولادت و زیارت و ... تقدیر می شود، همگی با حفظ علل و شرایط و عدم موانع است که اختیار یکی از علل و شرایط آن به شمار می آید . به این دلیل است که سفارش شده آن شب مخصوص را به شب زنده داری و عبادت و دعا سپری کنید، تا این عمل در آن شب خاص که از هزار شب برتر است، شرایط نزول فیض الهی را فراهم آورد . چنین نیست که اگر کسی در طول سال کاری انجام داد، این تقدیر را تغییر ندهد؛ زیرا تقدیر تغییرپذیر است و با توجه به مقدمات آن تغییر می کند .

نکته آخر این که خداوند می داند هر چیز در زمان و مکان خاص به چه صورت و با توجه به کدام شرایط و علل تحقق می یابد و می داند که فلان انسان با اختیار خود، کاری خاص انجام می دهد . فعل اختیاری انسان با وصف اختیاری بودن متعلق علم ازلی خداوند است که در شب قدر و بلکه در تمام زمان ها به امام زمان - سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف - منتقل می شود . این امر با اختیار منافات ندارد و حتی بر آن تاکید می ورزد؛ مثلا معلم کاردان و مجرب به خوبی می داند کدام یک از دانش آموزانش به دلیل تلاش فردی و استعداد لازم با رتبه بالا قبول می شود و کدام یک به دلیل تلاش یا استعداد کم تر در حد متوسط نمره می آورد و کدام یک به دلیل تنبلی تجدید می شود.

علم معلم به دلیل علم او به علت ها است و نفی کننده تلاش دانش آموزانش نیست . در شب قدر همه کردار اختیاری انسان با وصف اختیاری بودن مقدر و اندازه گیری و قالب بندی می شود . خدای عالم به علت ها، بر اساس نظم خود ساخته، اشیای این جهان را برنامه ریزی می کند و اختیار یکی از مبادی این جهان مادی است .

(16)

پی نوشت ها :

1 . اقبال الاعمال، سید بن طاووس، تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی، ج 1، ص 312 و 313 و 374 و 375

- .
- 2 . الکافی، کلینی، ج 4، ص 157 .
 - 3 . المراقبات، ملکی تبریزی، ص، 237- 252 .
 - 4 . الکافی، ج 1، ص 248 .
 - 5 . قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج 5، ص 246 و 247 .
 - 6 . همان، ص 248 .
 - 7 . المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ج 12 ص 150 و 151 .
 - 8 . همان، ج 19، ص 101 .
 - 9 . انسان و سرنوشت، شهید مطهری، ص 52 .
 - 10 . المحاسن البرقی، ج 1، ص 244 .
 - 11 . بحار الانوار، ج 5، ص 122 .
 - 12 . المیزان، ج 19، ص 101- 103 .
 - 13 . انسان و سرنوشت، ص 53 .
 - 14 . همان، ص 55 و 56 .
 - 15 . برای مطالعه بیش تر بحث حاضر به ویژه از دیدگاه فلسفی نگا: انسان و سرنوشت اثر متفکر شهید استاد مطهری
 - 16 . درباره علم پیشین خداوند و اختیار انسان، نگا: علم پیشین الهی و اختیار انسان اثر محمد سعیدی مهر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی .